

متن پرسش

با عرض سلام و احترام: در پاسخ به سوالم درباره زن فرمودید: «بنده هم مدت‌ها به جزء جزء این موضوعات فکر کردم». خواهش می‌کنم کتابی در این باره بنویسید، بویژه با نیاز شدیدی که امروزه به این مسائل می‌شود. لطفاً نفرمایید که من فقیه نیستم چون انتظارات ما هم از شما، انتظارات فقهی نیست ولی حداقل یک افق‌گشایی در نگاه طلاب از جمله حقیر، به مسائل فقهی نیز می‌شود. چه چیز باعث شده که شما «مدت‌ها» به «جزء جزء» مسائلی که طرح کردم «فکر» کردید، ولی کتابی درباره‌ی آن ننوشتید؟ یعنی ضرورت پرداختن به آن روشن نبوده یا ضرورت‌های دیگری در اولویت بوده که فرصت نشده؟ هرچند کتاب «زن آنگونه که باید باشد»، بسیار ضروری و راهگشا بود ولی مستحضرید که جای چنین مباحثی را نمی‌گیرد. اصلن حاج آقا یک آشفتگی خاصی در نگاه به این مسائل وجود دارد، حداقل نزد کسانی که درباره‌ی این مسائل فکر می‌کنند. لطفاً کمک کنید به ما و ما را تنها نگذارید. یا علی مدد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در مقدمه‌ی کتاب «زن؛ آن‌گونه که باید باشد» عرض شد که «زن» یک پدیده‌ی جدید در تاریخ ما است و در آن‌جا مقایسه‌ای بین یک لودر و کلنگ‌های زیاد شد. بدین معنا که این‌طور نیست که هزار کلنگ یعنی همان یک لودر؛ بلکه لودر یک پدیده‌ی جدید است و نسبت دیگری را با طبیعت در این تاریخ ایجاد می‌کند. ما هنوز باور نکرده‌ایم «زن» در این تاریخ، همانی نیست که ۴۰۰ سال پیش بوده است تا حکمی مناسب این «زن» در این تاریخ برای او داشته باشیم، همچنان‌که هنوز در سایر موضوعات این عالم در مفاهیم به‌سر می‌بریم و از نگاه «وجودی» به عالم و آدم بی‌بهره‌ایم. انبوه مفاهیم تفکر مشائی حجابی برای هرگونه تفکری شده است. باید آرام‌آرام رویکرد فکری جامعه عوض شود، تا نگاه تاریخی جای نگاه مفهومی به موضوعات را بگیرد. هنوز تاریخی که در انتظار آن هستیم، متولد نشده است. پیشنهاد بنده آن است که برای فهم نگاه تاریخی، مطالعه‌ی دقیق و بیش از یک‌بار کتاب بس خطرناک دکتر رضا داوری اردکانی که اخیراً نوشته‌اند را، دارم. نام کتاب «خرد سیاسی در زمان توسعه‌نیافته». موفق باشید